



دین چه مشکله را از ما حل می کند؟

آیت الله مصباح یزدی

طرح مسئله

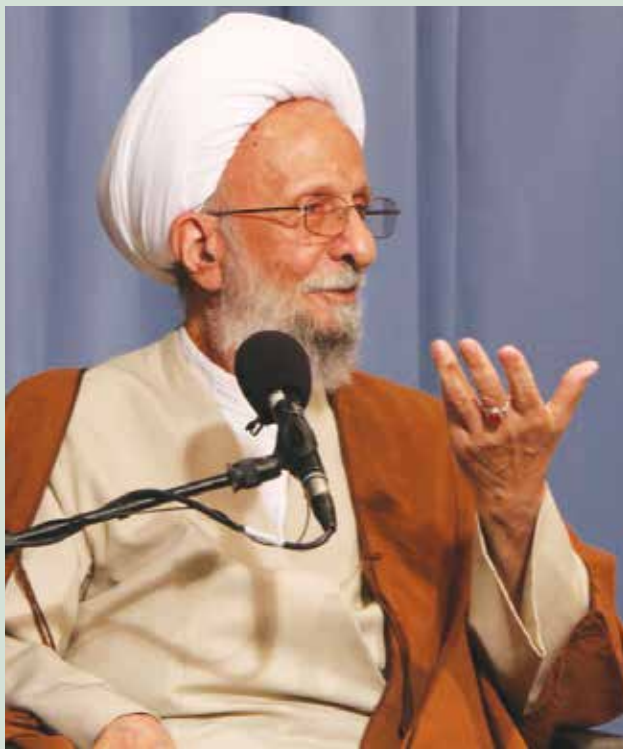
نقش دین در زندگی انسان چیست؟ ما چه اندازه به دین احتیاج داریم؟ دین چه مشکلی را از ما حل می کند؟ اگر کسی دین نداشته باشد چه می شود؟ آیا ممکن است چیزی جایگزین دین شود؟

در پاسخ به این پرسش ها نخست باید بفهمیم دین یعنی چه، تا بدانیم دین در زندگی انسان چه نقشی دارد. اگر دین و انسان را شناسیم، پاسخ این سؤالات روشن و عقلانی نخواهد بود.

جامعه شناسان، در مقام تعریف دین، آن را یک نهاد اجتماعی و پدیده ای دانسته اند که در زندگی اجتماعی انسان در طول

تاریخ وجود داشته است. تعریفات هم برای آن ارائه کرده اند اما دین به نظر ما عبارت است از مجموعه ای از اعتقادات، خلیقات و رفتار که در سعادت ابدی انسان مؤثر است و نداشتن آن ها موجب شقاوت انسان می شود. به عبارت دیگر، می توان گفت که دین سه بخش دارد: اعتقادات، اخلاق و احکام. درباره اینکه آیا اعتقادات اصل است یا اخلاق یا رفتارها و احکام، کمابیش بحث هایی شده است. اجمالاً عرض می شود، اعتقادات خاص، منش های خاص را می طلبد و آن منش ها رفتارهای خاصی را ایجاد می کند. اما اینکه چه ارتباطی بین آن ها وجود دارد، در جای خود بحث مفصلی را می طلبد.

اینکه کسی اعتقادات صحیحی داشته باشد، ولی در اعمالش هیچ نشانه ای از آن اعتقادات را مشاهده نکنیم، فرض دین داری او غیر قابل قبول است. چون اگر انسان یک سلسله اعتقاداتی داشته باشد، خواه ناخواه در رفتارش اثر می گذارد. اگر اعتقادی در رفتار انسان تأثیر نگذارد، به این معناست که این اعتقاد، در فرد جایگزین نشده و حالت



بسیاری تصور می‌کنند جای دین فقط در مسجد، حسینیه و زیارتگاه‌هاست و فقط اموری مثل نماز، روزه، خیرات و نذورات، سفره حضرت عباس(ع) در محرم مربوط به دین است

اصلی است که دین اسلام را که ما پذیرفته‌ایم و آن را مکمل انسانیت انسان می‌دانیم و انسانیت انسان را بدون آن میسر نمی‌دانیم، در زندگی ما چه جایگاهی دارد؟ صرف‌نظر از جایگاه سایر ادیان، باید پرسید که جایگاه دین اسلام در زندگی ما کجاست؟

بسیاری تصور می‌کنند جای این دین فقط در مسجد، حسینیه و زیارتگاه‌هاست و فقط اموری مثل نماز، روزه، خیرات و نذورات، سفره حضرت عباس(ع) و عزاداری سیدالشهدا(ع) در محرم مربوط به دین است.

کسانی هم که خیلی دین‌دار باشند، ایام فاطمیه و موالید ائمه و سایر اعیاد را هم محترم می‌شمارند. به عقیده چنین کسانی، دین فقط برای ارتباط انسان با خداست و سایر مسائل از حوزه دین خارج و در حاشیه است. به نظر این‌ها، متن دین یعنی نماز خواندن، روزه گرفتن، حج، زیارت امام رضا (ع)، نذری دادن، سفره انداختن، عزاداری کردن، سینه زدن و گریه کردن و اگر کسی به هیچ‌کدام اعتقادی نداشت، بی‌دین است! آیا واقعا این سخن اسلام است؟ یا یک تفکر غلطی است که شیطان آن را القاء کرده است. اینکه شیاطین انس

متزلزل دارد. در فرهنگ قرآنی نیز در موارد بسیاری ایمان و عمل صالح همراه با هم و توأمان ذکر شده‌اند. اگر هم به‌طور اتفاقی فقط از ایمان سخن به میان آمده باشد، از قرائن قبل و بعد آن برمی‌آید که عمل صالح هم در آن دخیل است. هم‌چنان که اگر در جایی فقط عمل صالح را ذکر کرده باشد، باز از قرائن برمی‌آید که مشروط به ایمان است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ انْثَى؛ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل / ۹۷)؛ «وَ مَنْ ارَادَ الْآخِرَةَ وَ سَعَى لَهَا سَعِيهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُكْرِمَنَّاهُ مِنْ قَبْلِنَا» (اسرا / ۱۹). بنابراین، دعوت‌کنندگان به دین، یعنی انبیا (ع)، ادعایشان این است که انسان باید در زمینه اعتقادات، افکار و نظرات، به چیزهایی معتقد باشد. در غیر این‌صورت انسانیت او لطمه می‌خورد. در دو آیه «ان شر الدواب عند الله الذين كفروا فهم لا يؤمنون» (انفال / ۵۵) و «ان شر الدواب عند الله الصم البكم الذين لا يعقلون» (انفال / ۲۲). می‌فرماید: «شر الدواب» و سپس «شر الدواب را معرفی می‌کند. یکبار می‌فرماید: «الصم البكم الذين لا يعقلون» و در آیه دیگر می‌فرماید: «الذين كفروا فهم لا يؤمنون». یعنی انسان اگر دارای این شرایط نباشد به انسانیت او لطمه می‌خورد.

دین قرآنی و دین سکولاری

بر اساس عقیده ما، در سایر ادیان تحریفات واقع شده است و مجموعه‌ای که امروز از ادیان دیگر باقی مانده، قابل اعتماد نیست. دینی که ما از آن حمایت می‌کنیم، دین اسلام است و مهم‌ترین منبع آن هم قرآن کریم است. قرآن دین را این‌گونه معرفی می‌کند: اگر کسانی فاقد دین باشند، انسان واقعی نیستند: «و لقد ذرأنا لجهنم كثيرا من الجن والانس لهم قلوب لا يفقهون بها و لهم اعین لا يبصرون بها و لهم اذان لا یسمعون بها اولئک کالانعام» (اعراف / ۱۷۹) کسانی که فاقد ویژگی‌های مذکور در این آیه شریفه باشند، به تعبیر قرآن کریم مثل چهارپا هستند. مدعی دین می‌گوید: دین همچون گوهری است که آدمی را به سوی جایگاه انسانیش راهنمایی می‌کند و اگر این موجود دین نداشته باشد، در واقع انسان نیست. این مباحث مقدمه‌ای برای این بحث

و نقصانی در دینش به وجود آمده بود. حضرت امام (ره) با این اندیشه به مبارزه پرداخت.

یکی از بزرگ‌ترین خدمات ایشان به عالم اسلام این بود که این تصور را از ذهن نشان دادند که ظواهر دین، مثل نماز و روزه تنها بخش کوچکی از دین است و بخش عظیمی از دین به مسائل اجتماعی و سیاسی مربوط است و نپرداختن به آن‌ها نه تنها فضیلتی برای دین و دین‌داران نیست، بلکه موجب نقص دین است. حضرت امام (ره) با تلاش فراوان و زحمات‌های بسیار توانست این اندیشه را برای توده‌های مردم تبیین کند و براساس این فکر، انقلاب اسلامی را به وجود آورد.

امیرالمؤمنین (ع) در مقام توضیح شرایط و اوضاع زمان حضرت رسول (ص) و معرفی یاران آن حضرت، ضمن خطبه‌ای می‌فرماید: «کنا علی عهد رسول الله...» (نهج البلاغه، خطبه ۵۶). ما در زمان پیغمبر (ص) با پدران، برادران و خویشاوندانمان می‌جنگیدیم و توجه نمی‌کردیم که مخالف دین، پدر، برادر یا عموی ماست. برای ما فقط خدا و دین ملاک بود. هر کس طالب حق و خدا بود، تحت لوای پیغمبر (ص) بود. در آن زمان ما برای خدا و به‌خاطر خدا با خویشاوندان خود می‌جنگیدیم. مگر از زمان پیغمبر (ص) تا زمان حضرت علی (ع) چه مدت فاصله شده بود که ارزش‌ها به اندازه‌ای تغییر کنند که حضرت علی (ع) با تأسف از یاران و هم‌زمان خود در زمان حضرت رسول (ص) یاد کند؟ آن حضرت در ادامه می‌فرماید: «فلما رای الله صدقنا انزل علینا النصر و انزل علی عدونا الکتب». وقتی ما راستی و صداقتمان را در عمل ثابت کردیم، خدا هم ما را یاری کرد و شکست و نابودی را بر دشمنان ما نازل کرد. خداوند با حضرت علی (ع) هم این‌گونه معامله می‌کند. باید ثابت کند که راست می‌گوید و اگر در عمل صداقتش را ثابت کرد. خدا پیروزی را بر او نازل می‌کند. قرآن می‌فرماید: «و ما النصر الا من عندالله العزیز الحکیم». (آل عمران/ ۱۲۶) اما اگر بخوانند با خداوند صادق نباشند و به نام دین، دنبال هوای نفس، خویش و قوم بازی و مال‌اندوزی بروند، خداوند نیز آن‌ها را خوار و رسوا می‌کند و در دنیا و آخرت بر آن‌ها رسوایی نازل می‌کند.

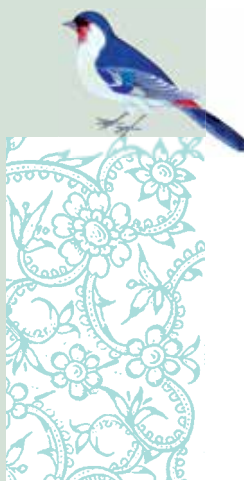
پایمال کردن خون بیش از ۳۰۰ هزار شهید

چه اندازه در ترویج این تفکر دخالت داشتند، در جای خود محل بحث است.

بدون شک اصل این فکر که دین فقط شامل این موارد است، از شیطان است. اگر دین همان است که قرآن کریم آورده و منبع اصلی شناخت آن، قرآن کریم است، با قدری تأمل و دقت در می‌یابیم که دین در قرآن کریم غیر از نماز، روزه و مودت اهل بیت (ع) مباحث دیگری را هم شامل می‌شود، اما متأسفانه شیاطین شرایطی را فراهم کرده‌اند که هنوز اکثریت مسلمان‌ها، تصور می‌کنند دین قلمرو محدودی دارد و تنها برای رابطه انسان با خداست و این همان چیزی است که امروز «سکولاریزم» نامیده می‌شود. براساس این تفکر، مسائل خارج از محدوده ارتباط معنوی انسان با خدا، ربطی به دین ندارد. هر چه می‌خواهی در کسب و کار فریب‌کاری کن، کم‌فروشی و گران‌فروشی کن، ولی مراقب نماز اول وقت و گریه در روضه امام حسین (ع) باش! آیا معنای صحیح دین‌داری این است؟! در مسائل اجتماعی هم نباید پرسید که چه کسی حکومت می‌کند؟ چه رژیمی باید حاکم باشد و ما چه نقشی می‌توانیم در امور حکومت داشته باشیم؟ یا اینکه آیا دین برای دخالت در مسائل اجتماعی به ما دستوری می‌دهد یا خیر؟ می‌گویند: چون این مسائل مربوط به امور دنیا و برای دنیاداران است، ربطی به دین ندارد! مسلمان فقط باید نماز بخواند، و مد «و لا الضالین» را خوب بکشد، اما اینکه چه کسی رئیس‌جمهور و نماینده مجلس می‌شود، از امور دنیاست و فقط برای دنیاداران است. این مسائل آلوده است و نباید از آن‌ها حرفی زده شود؛ اگر در مسجد حرفی از آن‌ها زدیم، حرف دنیاست و این ربطی به دین ندارد!

معرفی اسلام ناب از سوی امام خمینی (ره)

چنین وضعی را برای ما پیش آورده بودند. کسانی که سن بیشتری دارند، یادشان هست که پیش از انقلاب وضع خیلی بدتر از این بود. آن زمان اگر کسی صحبت از سیاست می‌کرد، بار ارزشی منفی داشت و از جامعه مؤمنان و متقین طرد می‌شد. پیگیری مسائل اجتماعی و سیاسی بی‌دینی تلقی می‌شد و اگر کسی به این قبیل مسائل می‌پرداخت، گویا کمبود



حضرت علی (ع)

می‌فرمایند:

هر کس طالب حق و خدا بود، تحت لوای پیغمبر (ص) بود. در آن زمان ما برای خدا و به خاطر با خویشاوندان خود می‌جنگیدیم

که رفتند تا «کلمة الله هي العليا» باشد و احکام اسلام اجرا شود، تعطیل کردن احکام اسلام و جایگزینی احکام ضد اسلامی به نام حمایت از دین چه معنایی دارد و خداوند با ما چه می‌کند؟ خارج کردن دین از اجتماع، به نام پیروی از امامی که تلاش کرد برای مردم ثابت کند دین باید در مسائل اجتماعی و سیاسی و در مسائل بین‌المللی حاکم باشد، چه معنایی دارد؟ این‌ها یعنی بازگشت به همان ارتجاع قدیم. باید تکلیف را روشن کنیم که دین جایش کجاست؟ آیا جایگاه دین در مسجد و در قلب انسان است؟ آیا دین فقط رابطه قلبی انسان با خداست و به دانشگاه، بازار، وازرخانه‌ها، روابط بین‌الملل، بازرگانی خارجی، تصمیمات بانک مرکزی و شورای اقتصاد ربطی ندارد؟ آیا دستورات صندوق بین‌الملل و بانک جهانی، هر چه بود، باید اجرا شود و شما نیز فقط قرآن کریم را حفظ کنید؟

لزوم توجه به محتوای دین

پیش از انقلاب اسلامی، مراسم عزاداری عاشورا هم از کاخ اعلی حضرت پخش می‌شد، عکس اعلی حضرت را هم با لباس احرام در وزارتخانه‌ها نصب می‌کردند. قرآن هم چاپ می‌کرد. آیا این‌ها نشانه دین‌داری است؟ دین‌دار کسی است که احکام خدا را اجرا کند، نه اینکه با احکام خدا بازی کند. هر کدام از ما باید دین‌داری خود را با این معیار بسنجیم.

زمانی بود که در همه کشور فقط چند تن حافظ قرآن کریم پیدا می‌شد ولی امروزه در هر شهر و روستایی چندین حافظ نوجوان قرآن یافت می‌شود که مدال این افتخار در سینه رهبر معظم انقلاب زده شده و ان‌شاءالله خداوند سایه ایشان را مستدام بدارد. اما قرآنی که با این لحن خوانده می‌شود و مایه افتخار است و با زحمات بسیار در حافظه جای می‌گیرد، نباید محتوای آن در نظر آید؟ نباید مشخص شود که قرآن برای چه چیزهایی اهمیت قائل است؟

قرآن کریم درباره بازی کردن‌ها با دین، به داستان اصحاب سبت که آنان تبدیل به بوزینه شدند اشاره می‌کند.

قرآن کریم این داستان را برای چه می‌گوید؟ آیا جز این است که من و شما از آن عبرت بگیریم و داستان بنی اسرائیل را تکرار نکنیم؟ با دین خدا بازی نکنیم و ترک امر به معروف و نهی از منکر نکنیم. خدا قوم و خویش هیچ‌کس نیست، آیا آن‌ها چون بنی اسرائیل بودند، عذاب شدند و چون ما مسلمانیم عذاب نمی‌شویم؟ با دین خدا نمی‌شود بازی کرد. خدا، خداست. احکام خدا در همه جا باید اجرا شود. در خانواده، مدرسه، دانشگاه، بازار، جبهه، روابط بین‌الملل و حکومت، همه جا مُلک خداست. در همه جا ما بنده‌ایم و او «الله» است. این امر فقط به مسجد و حسینیه اختصاص ندارد.

کسانی که با دین خدا بازی کنند، هم در این دنیا و هم در آخرت رسوا می‌شوند: «یردون الی اشد العذاب» (بقره/ ۸۵).

چنین کسانی شاید از چهره موجهی هم برخوردار باشند چنانکه بیشتر کسانی که در دین بدعت‌ها را بنا گذاشتند و مردم را منحرف کردند، دارای چهره‌های مطلوبی بودند. قرآن کریم می‌فرماید: «ان الدین عندالله الاسلام و ما اختلف الذین اوتوا الكتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم» (آل عمران/ ۱۹). سرسلسله بدعت‌گذاران، عالمان دینی بودند. خدا به چهره ما نمی‌نگرد، به دل و رفتار ما نگاه می‌کند: «لیس بین الله و بین احد قرابه ... من كان لله مطيعا فهو لنا ولي و من كان لله عاصيا فهو لنا عدو» (کافی، ج ۲: ۷۴). این روزگار بوته امتحان است. کسانی آمدند، امتحان شدند و به شهادت رسیدند و اکنون در جوار انبیا و اولیای خدا هستند. «و یتبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و لا هم یحزنون» (آل عمران/ ۱۷۰). «طوبی؛ لهم و حسن ماب» (رعد/ ۲۹). من و شما نیز باید مراقب امتحان‌های الهی باشیم. همه در معرض امتحانیم. باید نشان بدهیم در ایمانمان صادقیم و راست می‌گوییم: «فلما رای الله صدقنا انزل علینا النصر» (خطبه ۵۶ نهج‌البلاغه). بارها به تجربه دیده‌ایم که هر وقت مردم صداقت نشان دادند، خدا نیز کمک کرده است. هر وقت خواستند با دین خدا بازی کنند، خوار شدند و دنیاشان نابود شد و آخرتشان صد بدتر.



زمانی بود که در همه کشور فقط چند تن حافظ قرآن کریم پیدا می‌شد ولی امروزه در هر شهر و روستایی چندین حافظ نوجوان قرآن یافت می‌شود که مدال این افتخار در سینه رهبر معظم انقلاب اسلامی زده شده است